

چه اتفاقے در هزاره نیفتلا؟

سے سے آریو (واحد پژوهش فرهنگ سائبرنتیک)

سی سی آر یو

(واحد پژوهش فرهنگ سایبرنتیک)

چه اتفاقی در هزاره نیفتاد؟

ترجمه سدنا پرینی

dastopaa.net

آیریس کارور در ابتدا متحیر شد از کشف این که سایبرگوٹ‌ها<sup>۱</sup> با او مثل قصه<sup>۲</sup> رفتار می‌کنند. چندین رمزمتن<sup>۳</sup> ماجراجویی‌های آینده‌ی نزدیکش را در جزییاتی وهم‌آلود توصیف می‌کنند، به‌خصوص وقتی با جریان تاریک افسانه‌ی سارکون<sup>۴</sup> در هم می‌روند. به‌قدر کافی طبیعی هست که پژوهشش در مورد فرقه‌های زمان<sup>۵</sup> را شدت می‌دهد. وقتی دست‌آخر سارکون را در ۲۰۰۴ ملاقات می‌کند تقریباً همه‌چیز را فراموش کرده است.

قعر دوزخ؟ آنچه در هزاره اتفاق نیفتاد. چیزی غریب درباره‌ی نوشتن این کتاب وجود داشت. به دفعات اندیشید که هرگز تمام نخواهد شد. داستان‌های سارکون پر از حفره بودند و به سردرگمی می‌افزودند. عاقبت شروع کرد به سرهم کردن امور، اما حتی این کار هم با تقارن و حادخرافه‌ی<sup>۶</sup> سایبرگوٹ (درست‌شده از کیفیت‌های خیالی<sup>۷</sup> که خودشان را واقعی می‌کنند) درهم پیچید. خودش را در حال کندوکاو در فرقه‌های نولموری<sup>۸</sup> متعددی یافته بود که بیشترشان چیزی عظیم را حول‌وحوش اول بهار ۱۹۹۹ پیشینی کرده بودند (زمانی که پلوتو<sup>۹</sup> از چنگ نپتون<sup>۱۰</sup> خارج می‌شود و بازگشت قدما<sup>۱۱</sup> را به جریان می‌اندازد). با پایان قرن، آخرالزمان‌پنداری یتتوکی<sup>۱۲</sup> چیزها را چنان به پایان برده بود که حتی گزاف‌ترین اغتشاش اجتماعی اقتصادی هم یک جور ناامیدی بود. و با این همه، حالا، چهار سال پس از هزاره معنای قهقرا<sup>۱۳</sup> رفته‌رفته به‌طور عجیبی مصنوعی به چشم آمده بود، گویا داشت چیزی را پس می‌زد.

---

1 cybergoths

۲ fiction . - همچنین، خیال م.

۳ crypt-text - کریپت (رمز) با کد (رمزگان) فرق دارد. اولی را اجتماع‌های مخفی می‌سازند اما دومی منطق نظم مستقر و باور مردمی‌ست. م. Sarkon۴ . - گور جهانی نکرونی و مرکز امپراتوری نابودشدگان. سارکون خیلی پیش به دست طوفان‌های پرتویی که خاطره‌ی هر نکران واردشده به آن را از بین می‌برد ویران شد. سپاهیان‌ش به همین دلیل بی‌ذهن اند. م.

۵ time-cult . - فرقه‌های مختلف (خصوصاً دینی یا با کیفیات دینی) که با مسأله‌ی زمان مشغولیت مستمر و جدی دارند و معمولاً با خالی کردن زمان از بار تقویمی‌اش در پی زمانی آخرالزمانی‌اند که هم‌زمان زمانی مرده است، شبیه باور به مهدی در اسلام یا مسیح در مسیحیت م.

۶ pandemonium . - قعر دوزخ؛ کاخ یا مرکز یا اوج جهنم؛ فضایی قیامت‌گونه؛ در ادیان ابراهیمی همان اسفل‌السافلین یا بدترین مرتبه‌ی جهنم؛ همچنین به معنی قشقرق، غوغایی درهم‌برهم در پست‌ترین یا اسفل‌ترین حالتش م.

7 hyperstition

8 fictional

9 neolemurian

۱۰ pluto . - خدای عالم اسفل؛ همچنین سیاره‌ی پلوتون م.

۱۱ neptune . - خدای دریا؛ همچنین سیاره‌ی نپتون م.

۱۲ the Old Ones . - قدیمی‌ها؛ موجودات واقعی یا خیالی قدیمی؛ فضایی یا زمینی م.

۱۳ Yettuk apocalypticism - بازپیکربندی تمام مناسبات سیاره‌ای برمبنای انهدام کامل زمان تقویمی؛ همان Y2K م.

۱۴ anticlimax . - تغییر وضع موجود به نحوی قهقراایی؛ سقوط، افول، نزول؛ پایین آمدن از اوج به سمت وضعیتی اسفل م.

کارور تمام زندگی‌اش را از حادخرافه ساخته است (حتی اسمش هم مستعار است). او مدام به تقاطعی درک‌نشده‌ی بازمی‌گردد، آن‌جا که قصهٔ سفر در زمان<sup>۱</sup> می‌شود و تصادم‌ها تنها الگوها هستند.

یادداشت‌هایش درباره‌ی ملاقات با سارکون آکنده بود از جادوگری‌های لموری، فوج‌های اهریمنی، جنگ‌های زمان<sup>۲</sup> بی‌انتها، و جستجوهایش برای کلید برزخی.

او مدارهای موبیوسی را هدایت می‌کند، همراه با این احساس که شایعه‌ای که مبهم به خاطرش آمده هنوز در شرف وقوع است.

---

1 time-travel

2 time-wars

## ضمیمه: فرقه‌های رمزی<sup>۱</sup> ماقبل‌هزاره‌ای

مشخصه‌ها:

۱. ماتریالیسم خط‌صاف<sup>۲</sup>. رمز خارج از تجربه‌گری در مرگ مصنوعی، حادث تولید سطح صفر مثبت – درون ماندگاری عصب‌الکتونی<sup>۳</sup> – که یک اتصال‌گرایی مرگ‌فنی<sup>۴</sup> مدام‌احیاشده سرمایه‌گذاری‌اش کرده هیچ است. این واقعیت پیامدهای ناگزیری برای فرهنگ‌های اشغال‌کننده‌اش به بار می‌آورد، آن‌ها را ریشه‌کن می‌کند و درون نازندگی – یا نامنطقه‌ی میان‌بودگی مطلق – قرار می‌دهد که بویایی‌های مارپیچی<sup>۵</sup> درگیری جادوگرانه‌اش به تنهایی برای رسیدن به نواحی زیرشبکه‌ای<sup>۶</sup> پیوستار سایبرگوت کفایت می‌کنند. ماتریالیسم خط‌صاف خود سفر رمزی بی‌اثره را به‌عنوان بدن‌آمیزی لموری در درجه‌ی صفر ماده مشخص می‌کند.

۲. حادخرافه‌ی دیجیتالی. هیچ‌چیز خودش را از خلال رمز پخش نمی‌کند مگر با تحقق هویت عملکردی فرهنگ و ماشین‌آلات که بدن اندام‌دار را به‌طور موثر به ذره‌هایی عددی‌کننده<sup>۷</sup>، مزدحم در

---

### 1 crypt-cult

۲. flatline – در کاربرد متعارف در اصل به معنی «مرده»؛ و از همین‌رو اشاره‌ای به دیگر مفهوم‌شان unlife یا «نازندگی»؛ در نمودارهای پزشکی یا الکتریکی همان صفرشدن خط نشانگر ضربان قلب؛ سی سی آر یو در متن دیگرش خطوط صاف این‌طور تعریفش می‌کند: خط‌سیر هم‌رس حشو صفر، بعدمندی صفر، سرعت مطلق، شدت محض (شی فی نفسه)، گرداب مطلق، معادل با سطح صاف فی نفسه در دلو و گناری. در خود این قطعه هم به سطح صاف، هم به صفحه درونماندگاری، هم به نازندگی، و هم به پیوستار شدت صفر یا ماده‌ی محض اشاره دارد. م.

۳. neuroelectronic immanence – جایی که مرگ جزئی یا براندازی تمامیت بارزی مثل جامعه یا اگورخ می‌دهد. به‌اصطلاح دستگاه عصبی هیچ ضربانی را برای قلب ثبت نمی‌کند یا ورود به منطقه‌ی نازندگی واقعیت می‌یابد و مرگ درون لایه‌های عصب‌شناختی واقعا رخ می‌دهد. م.

۴. thanatechnical – فنون یا تکنیک‌هایی که منطقه‌ی نازندگی یا مرگ ساختگی/مصنوعی را راه می‌اندازند. م.

### 5 spirodynamics

۶. sub-mesh tracts – مناطق نامرئی مادون توها یا شبکه‌های توری که به نازندگی تعلق دارند. توهای شبکه‌ای، مثل خطوط غربال، مسیرهای انسداد یا مرگ بالفعل هستند. پیوستار سایبرگوت زیر این توها شکل می‌گیرد. م.

۷. numerizing particles – عددها یکی از مهمترین موجودیت‌های حادخرافه‌اند. عدد با خلاصی از بار متریکش (بدن اندام‌دار) عددی کوچگر (بدن بی‌اندام) می‌شود، شماره‌ای شمارنده که شاخص «خارج» ناب است و می‌تواند بیرون از شمارش زمان برای دیگر چیزها به کار رود. دلو و گناری در هزار فلات از این کیفیت خاص عدد (رمزدوده، نموداری، غیرمتریک، کوچگر) مکررا استفاده می‌کنند. سی سی آر یو در متن بارکر سخن می‌گوید نسبت عدد و زمان را روشن می‌کند: «وقتی عدد از بار متریکش آزاد شود و دیگر فرارمگذارنده نباشد به عددی نموداری بدل می‌شود... سکناس یا رشته (sequence) همان نظم یا ترتیب (order) نیست. ترتیب پیشاپیش یک مضاعف‌سازی یا سطحی از حشو، یک رشته‌ی رشته‌ای شده را پیش‌فرض می‌گیرد. اما یک رشته‌ی رمزدوده چیزی دیگر است، یک عددی‌بودن ناب مقدم بر هرگونه اعمال عدد بر ساختار گاه‌نگارانه. به همین دلیل عدد رمزدوده حاکی از گریز از پیش‌فرض‌ها و انگاشت‌های زمان پیشرونده‌ی تقویمی است... بدون تبعیت از علیت خطی، تاریخ، و گاه‌شناسی». نظام عددی ابجد و کابالا نیز همین کیفیت را دارند. م.

پیچ‌وتاب‌های از جادو گرفته، اوراق می‌کنند. موجودیت‌های رمزی هم تکینگی‌هایی حادگردبادی هستند و هم واحدهای حادخرافه‌ی دیجیتال – یا نشان‌های خارج – همان اجزای واقعی قصه‌هایی عددی که خود را واقعی می‌کنند و ماده‌ی عملی جادوگری، گرداب‌زایی، یا درگیری مولدی را فراهم می‌آورند که به طور منسجم با خط‌صاف کار کرد می‌یابد. فرهنگ‌های رمزی هیچ از کار یا معنا نمی‌دانند. در عوض، با گرداب‌های نیرنگ‌باز<sup>۱</sup> – نیرنگ سایبری<sup>۲</sup> – مقارن می‌شوند که نشانه‌ها و منابع را به راه‌اندازهای نادالالت‌گر، نمودارها، و زبان‌های خاص<sup>۳</sup> مجمع فرقه تخت می‌کند.

۳. لیبیدوی مسری لزبوخون‌آشامی. جادوگری رمز به همان شیوه‌ای که منتشر می‌شود خود را واقعی می‌کند. این جادوگری، با کارکردی مثل طاعون، با تولید تجربی یک پادسکسوالیته‌ی نزولی<sup>۴</sup> و غیرارگاسمی پیوند دارد، سازگار با بازمهندسی جمعی بدن‌ها درون سرهم‌بندی‌های فن‌زستی، و نهایتاً متشکل از جریان‌های الکترونی یا جریان‌های یونی به معنای حفره‌سیلان مثبت. از آنجا که سکس رمزی دقیقاً با عفونت‌هایی که منتقل می‌کند یکی‌ست و در شمار ناقلان تغییر بدن قرار دارد، پس هم یک «زنانگی جنسیتی‌نشده»<sup>۵</sup> دیرین‌جنینی یا استروژنتیکی<sup>۶</sup> و هم یک «عفونت‌زایی واگیردار آهن‌فلزی آنفولانزایی کُشنده» نشانگر ترکیب‌بندی لیبیدویی‌اش هستند.

۴. اغتشاش Y2K<sup>۷</sup> مثبت در تقویم. فرهنگ‌های رمزی از خلال گسستی در ترتیب‌گاه‌شناختی که درست سر موعدا یا با وقت‌شناسی در زمان صفر به راه افتاده به اقتصاد بسته‌ی تاریخ سرازیر می‌شوند.

---

۱ hype – hype-spiral همان پیشوندی‌ست که ابتدای حادخرافه (hyperstition) نیز می‌آید (حادخرافه از روی خرافه یا superstition ساخته شده) و معنی‌اش را علاوه بر حادخرافه (hyper) به نیرنگ (hype) نزدیک می‌کند. سی سی آر یونیرنگ را تقریباً همیشه در کنار باور به کار می‌برد تا به بی‌اهمیت بودن حقیقت و دوگانه‌ی صدق و کذب آن اشاره کند، که باز همان کارکرد غیردالته‌ی حادخرافه است. سی سی آر یواز حادخرافه برای سیستم‌های باور سایبرنتیک استفاده می‌کند. و این استفاده به پدیده‌ی مدرن (در دهه نود میلادی) هایپ/نیرنگ نزدیک است تا باور مذهبی معمول. نیرنگ با استفاده از باور به عنوان یک قدرت مثبت واقعا باعث رخ دادن چیزها می‌شود. فقط چون حالا واقعی نیست به این معنا نیست که یک جایی در آینده واقعی نخواهد بود. و همین‌که واقعی شد، به یک معنا همیشه واقعی بوده است. م.

2 cyberhype

3 jargons

۴. anticlimactic--کلمه‌ی نزولی یا anticlimactic نیز که در کنار غیرارگاسمی آمده برخلاف سکس ارگاسمی که فرایندی صعودی است که به نقطه‌ی اوج نزدیک می‌شود، سکسی نزولی است که هر چه بیشتر و بیشتر نزول می‌یابد و کمتر و کمتر می‌شود تا به فقیرا می‌رسد. ارگاسم نابودی درونماندگاری میل، و لذت ساخت یک درونماندگاری کاذب است. م.

5 nongendered

۶. Y2K – یا همان year 2000 (حرف k اینجا شاخص هزار است و نه سایبر)، یا سال ۲ هزار، که اشاره دارد به مشکل تقریباً تمام سیستم‌های کامپیوتری دنیا و باگی که باعث می‌شد این سیستم‌ها نتوانند تغییر از سال ۱۹۹۹ به ۲۰۰۰ را به صورت خودکار تشخیص بدهند و اغلب‌شان از

شایعه‌ی رمزی ظهور مقارن خاص خودش – یا از زمین‌کنندش – را به‌نحوی منسجم به سایبرشیز<sup>۱</sup> هزاره‌ای در شرف وقوع اختصاص می‌دهد: تجزیه‌ی زمانی فضای سایبر زیر فشار موشک Y2K که به‌نحوی استراتژیک تشدید شده. در این حین فرقه‌های رمزی که به انواع مختلف مشتق شده‌اند – حیاتی‌تر از همه با تقسیم میان پیوستارگرایی و افراطگری تقویمی<sup>۲</sup> – به‌طورسازنده‌ای جزئی از رابط تکین براندازی تقویم ضدگریگوریایی<sup>۳</sup> هستند، بازتاریخ‌دهی خودکار ناخودآگاه ماشینی را جشن می‌گیرند، و انحلال دلالت یادبودی درون جهش زمان دیجیتالی را که با سیگنال‌های عملی عددی و نمایه‌ای کاتالیز شده تحریک می‌کنند. رمز از قبل آغاز زمان وجود دارد اما در سال صفر شروع می‌شود...

---

عدد ۱۹۹۹ به عدد صفر یا ۱۰۰۰ برمی‌گشتند. بابت این مسأله تمام سیستم‌های ۳۲بیتی در سرتاسر جهان به مشکل دچار شدند طوری که کل کامپیوترها با افزودن بیت‌های تازه و بازتعریف برنامه‌هایشان از نو ریست، ریفرمت، و راه‌اندازی شدند. این یک مشکل تقویمی بود که مستقیماً با سیستم‌های دیجیتال و فضای سایبر پیوند داشت و نشان می‌داد که زمان تقویمی چقدر از زمان زندگی دور است و چطور کامپیوترها نمی‌توانند به زندگی غیرتقویمی برسند. پایان هزاره‌ی تقویمی آن دقیقه‌ای است که به‌واسطه‌ی آجیناسیون یا آشوب‌انگیزی یا ایجاد فتنه در تقویم از زمان گاه‌شمارانه یا تیک‌تیک ساعت بیرون زده شود، یا زمان با گسستی در زمان منحل گردد. مسأله یکجور تحقق‌درنماندگار و مثبت همین واقعه است. در متون سی سی آر یو بابت امکان تلفظ حادخرافه‌ای‌اش به صورت یتتوک یا Yettuk هم درآمده است و یک پرسوناژ مفهومی همیشگی در آثارشان است. م.

۱. cyberschiz – شیز با شیزو (یا شیزوفرن یا شیزوفرنی) فرق دارد. این مفهوم به معنای نظامی از قطع‌ها، وقفه‌ها، یا گسست‌هاست که نه به‌سادگی وقفه‌ای در یک فرایند یا قطع آن یا به‌انجام‌رسیدن و امحایش، بلکه تقاطع یا محل برخورد بین فرایندهاست. هر شیز یک سرمایه‌ی تازه از بالقوگی را با خود به همراه می‌آورد. اینجا نیز به گسست در زمان گاه‌شناختی اشاره دارد که آن شایعه‌ی ظهور Y2K یا ازمین‌کندن به وضعیت در شرف وقوع وصل می‌شود، و این همان تقاطع بین فرایندهای مرتبط با دستکاری فهم ما از زمان است. پیشوند سایبر نیز به این رویداد در بستری سایبرنتیک ربط دارد. پس سایبرشیز همان متلاشی‌شدن سایبراسپیس و ورود به سال صفر است. فعل اختصاص‌دادن یا allocate هم به بارگذاری بیت‌های تازه و تسهیم‌شان در سیستم‌های کامپیوتری با نظر به همان گسست در زمان مربوط است. م.

۲. centience – افراطی‌گری تقویمی یا غایت‌گاه‌شناختی که با زمان سایبر درمقام عملی‌سازی ماشینی‌اش کار می‌کند تا کل زمان حقیقی را متراکم کند طوری که در فراسوی هیچ چیز جز وهم (زمان/زمان) بابلی نیست وقتی خود بابل پایتخت زمان وحدت‌انگار دروغین است. این غایت‌انگاری تقویمی می‌تواند برای خود س ۲ نیز به کار رود و تحقق‌درنماندگار همین دکتربین است. انکار اگر سایبراسپیس همان بابل کنونی باشد و به یک خدای وحدت‌انگار تازه بدل شده باشد، داستان بر سر نابودی این بابل زمانی یا تقویمی سیاره‌گستر از خلال درنماندگارکردن آخرت یا قیامت در اکنون است. م.

۳. counter-gregorian – تقویم پاپ‌گریگوری یا گاهنامه‌ی گریگوری نام دیگر تقویم مسیحی است. م.